

آبروی کشور!

و

گریه روحانی

امیرفیض- حقوقدان

بخشی از جریان جلسه مجلس اسلامی حاوی اظهارات آقای حمید رسائی بوسیله جاوید ایران منتشر گردید. بآنکه شنیدن برایم مشکل سازاست، محتوای پراهمیت آن، مشوق شنیدن گردید. ضمن تشکر از جاوید ایران بمناسبت این موقع شناسی، به اتفاق به نقد دو دستاورد مهم آن میرویم.

رسائی چه گفت

ملخص موضوعی راکه رسائی در جلسه مجلس مطرح ساخت این است که (شیخ حسن یکی از وزرای خودش را برای دریافت پول به امارات * فرستاده و دست خالی برگشته و وقتی شیخ حسن از جریان مطلع میشود در هیئت دولت گریه میکند و این خبر در سطح وسیعی (۵۰۰) بار رسانه ای میشود و آقای رسائی معترض است که وزیر باید حافظ آبروی * کشور باشد).

* آبروی کشور

آبرو، امتیازی نسبی است که اگر باشد، آبرو تلقی میشود و اگر نبود و یا ضایع بود بی آبرویی است. تحصیل آبرو و اعتبار، خیلی به سختی برای شخص و یا کشور فراهم میشود و برعکس خیلی سریع و فوری از بین میرود و خلاء آنرا بی آبرویی پرمیکند، در تشبیه میتوان گفت مانند بالارفتن از کوه است دقت و زمان و احتیاط لازم دارد و برعکس سقوط از آن سریع است.

شخص و یا کشوری که گرفتاری آبرویی شد منزوی و از اجتماع و یا همکاری بین المللی خارج میشود و در واقع همانطور که کسی که از کوه سقوط میکند دیگر قادر نیست یک انسان سالم و بالارونده از کوه باشد انسان و یا کشور غرق در بی آبرویی هم همان حال را دارد.

آبروی کشور یا آبروی اسلام

بحث توجه آبرو به کشور، در نماز عه کلامی رسائی مفروق عنه است و جای کشور باید اسلام باشد.

اسلام قائل به کشورهای مختلف نیست قائل به دارالکفر و دارالاسلام است وبالطبع نمیتواند قائل به حقوق بین الملل و مراتب ناشیه از جدائی کشورها باشد.

جمهوری اسلامی یک کشور اسلامی است که بر مبنای قرآن و سنت اداره میشود نه حقوق بین الملل و حقوق مدون. در جوامع حقوقی مدون آبرو از مسیر رعایت قانون و حقوق بین الملل بوجود میاید و در جوامع اسلامی از مسیر قرآن و سنت. قرآن در یکی از آیات سوره نسا، آبرو را از منشا خدا میداند که رساگر آن است که رعایت قرآن و سنت سبب آبرو و عدم رعایت آن سبب بی آبروی است.

قرآن دستور العمل برای انسان هاست نه کشورها. در هیچیک از آیات قرآن ویاسنت موضوع آبرو برای کشورها و یا دارالاسلام مطرح نشده معهدا برای آنکه اظهارات رسائی مورد نقد و برداشت قرار گیرد آنرا به حساب سهوایشان گذاشته میشود.

جمهوری اسلام در مسیری آبرویی

جمهوری اسلامی به مجرد بوجود آمدن، آبرو و اعتبار بین المللی کشور را از دست داد؛ چراکه قانون اساسی خود را برخلاف باور و اعتبار منشور سازمان ملل تنظیم کرد (علاقمندان به بحث مزبور به رساله حراهی برای تامین امنیت جهانی از انتشارات سنگرجوع فرمایند).

برعکس، جمهوری اسلامی با عمل گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا یک اعتبار و آبروی اسلامی برای خودش بدست آورد که هرچه بود و نبود بطور حتم بی آبروی کامل برای ایران بود و این بی آبروی سی و چند سال است هاله های شوم خود را بر ایران حفظ کرده است، و هر ساله هم با جشن و سرور حکومت اسلامی در سالگرد گروگان گیری، به آن بی آبروی مسلم برای کشور، و آبروی اسلامی آنرا تجدید میکند.

تعارض بین آبرو در اسلام و حقوق مدرن

در بیان تعارض بین آبرو در اسلام و حقوق مدرن معطلی لازم نیست، زیرا آبرو از رعایت قانون و باور عمومی ریشه میگیرد و ریشه آبرو و اعتبار در جوامع حقوق مدرن بکلی با ریشه آبرو در جوامع اسلامی متفاوت و متضاد است و همین تضاد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم پیاده شده سبب گردیده که بیشتر کارهای جمهوری اسلامی در جهت تحصیل آبرو برای اسلام قابل ارزیابی و برعکس برای کشور سبب بی آبروی باشد.

هرچند بعضی از امور جمهوری اسلامی سبب بی آبروی اسلام هم هست از جمله عدم اخذ جزیه از کفار، بهره بانکی به کشورهای کفر و یا اخذ بهره (ربا) از مسلمانان، رفتارندم سال ۵۸، جمهوری بجای رژیم سلطنتی و بسیاری مراتب دیگر که تعارض قاطع با آموزه های قرآن دارد.

فکر میکنم توجه به موضوع تفاوت و تعارض بین آبروی اسلامی و آبروی کشور نیاز به نمونه دارد.

در بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ که در رابطه با پایان جنگ عراق و ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شد مسیری را برای تعیین خسارات جنگی ایران باز ساخت که هیئت های مشترک ایران و عراق به برآورد آن اقدام کنند که برآورد مقدماتی هیئت نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار بود و خامنه ای هم در پیام نوروزی سال ۱۳۷۱ آنرا به ملت ایران تبریک گفت.

حاشیه = در حالیکه خسارت جنگی کویت از حمله عراق به آن کشور ۳۴۰ میلیارد دلار تعیین شد رقم خسارت ۸ ساله جنگ عراق و ایران که یک میلیون ایرانی کشته شد چه جای تبریکی دارد. (پایان حاشیه).

اما می بینیم که همان رقم ۱۰۰ میلیارد دلار ناچیز خسارات جنگی ایران هم مورد مطالبه، تاچه رسد به دریافت قرار نگرفت و آنقدر موضوع خسارات جنگی به حاشیه رفته، مثل اینکه اساسا جنگی بین عراق و ایران و محکومیت عراق به پرداخت خسارات جنگی نبوده است.

مجلس اسلامی با تشکیل گروه دوستی ایران و عراق بریاست حشمت الله فلاحت پیشه، خسارت جنگی ایران را ۱۲۰۰ میلیارد دلار تقویم کرد و پرداخت آنرا بوسیله چند چاه نفت ممکن دانست با وجود این جریان، آنقدر موضوع خسارت به کنار رفت که نمایندگان مجلس عراق در این اواخر صحبت از عدم تعلق خسارت به ایران را ساز کرده اند.

علت این مهم که بر نادیده گرفتن حقوق بین الملل قرار گرفته تعارض بین حقوق اسلامی و حقوق بین الملل در مورد خسارات جنگی است.

حقوق اسلامی در مورد خسارات ناشیه از جنگ بین مسلمانان و کفار حکم و مستند قرآنی ندارد تاچه رسد به مطالبه خسارات بین دو کشور مسلمان.

حقوق اسلامی انواع جنگها را به ۸ طبقه قسمت کرده است که در هیچیک از آن طبقات مسئله خسارات جنگی مفتوح و به ذکر نیامده است، جنگ عراق و ایران از لحاظ طبقه بندی حقوق اسلامی به جنگ با اهل بغی نزدیک است و حکم قرآن بر آن است که مسلمانان به آشتی بین عراق و ایران برخیزند و میانشان صلح و آشتی برقرار سازند همین و همین و هیچ اشاره ای به تعلق خسارت به زیان دیده ندارد.

اگر قرآن به خسارات جنگی توجهی نکرده بر عکس به غنیمت حکم داده که آنچه در جنگها نصیب مسلمانان میشود غنیمت و مال مسلمانان است. در پایان جنگ بدر بود که آیه ای هم به قرآن اضافه شد که کیفیت تقسیم غنائم را معین کرد که سهمی از آن حق رسول و سهمی هم به فرزندان کشته شدگان در جنگ میرسد.

تفاوت بین خسارات و یا غرامات، با غنیمت هم معلوم است خسارات، نیاز به تشخیص زیان دیده، حکم داور، یا مذاکرات طرفین و یا حکم قاضی است ولی غنیمت به هیچیک از این ارکان نیازی ندارد، هر چه بدست زورمند و فاتح رسید غنیمت است.

مطالبه خسارات جنگی ایران از عراق و دریافت آن یک آبرومندی جهانی و تاریخی برای ایران و سر بلندی برای ملت ایران بود و بر عکس در صورت عدم مطالبه و دریافت خسارات جنگی از عراق یک آبرومندی اسلامی است که ناشی از عفو و گذشت از خشونت های عراقی هاست. (اقتباس از آیات قرآن).

رابطه خسارات جنگی با حاکمیت ملت ها

خسارات جنگی از منشا، حق حاکمیت ملت‌هاست. در اسلام بمناسبت تعلق حق حاکمیت به خدا، درخواست و مطالبه خسارات جنگی از مردم ساقط و متعلق به خداست و چون قرآن در عین اینکه به حقوق الهی توجه دقیق داشته، موضوع خسارات مالی ناشی از جنگ را پیش بینی نکرده بنابراین مصلحت را در عدم طرح و ادعای خسارات جنگی دانسته لهذا مطالبه آن از سوی مسلمانان، تجاوز به حریم حقوق خدائی است.

ولی در حقوق مدون و جوامع بشری که بر اساس حق حاکمیت ملی پدیدار شده صرف نظر و قصور در وصول خسارات جنگی خیانت به کشور محسوب و مجازات سنگینی دارد.

در ماهیت معنای عبارت خمینی: «قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تراست ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه زهر را نوشیدم» چیزی جز رعایت و احترام به حقوق اسلامی نیست.

موقعیت آبرو در موافقتنامه ژنو

طرح مسئله آبرو فرصت مطلوبی است که موقعیت آبروی اسلامی و کشور در موافقتنامه ژنو هم به کوتاهی مطرح شود امضای موافقتنامه ژنو بزرگترین بی آبرویی در تاریخ اسلام است که جمهوری اسلامی بنا کننده آن میباشد که علیرغم صراحت قرآن و وعده و تضمین خدا به پیروزی مسلمانان بر کفار جمهوری اسلامی بند عبودیت و بردگی کشورهای کفری را که جمهوری اسلامی به شیطان بودن آن کشورها اذعان دارد برگردن گرفته است. در تاریخ اسلام هیچ موردی قابل مقایسه با موافقتنامه ژنو و پی آمد های آن نیست عبودیت و فرودستی و سرافکندگی مردم مسلمان ایران لااقل برای ۲۰ سال و حاکمیت اراده و تفکر و درک آمریکا بجای حاکمیت خدا فصلی است که برای مردم مسلمان ایران نیازی به گشودن نیست خفت و درماندگی آن اظهر من الشمس است.

گریه روحانی

گریه روحانی اهمیت بسیار خاصی دارد؛ نخست اینکه درخواست پول از کشورهای امارات بر چه صیغه ای بوده آیا وام و یا کمک بوده؟ پاسخ منفی است، چراکه درخواست وام و یا کمک باید با مجوز مجلس باشد و در اظهارات رسائی هیچ اشاره ای مبنی بر اینکه درخواست دولت روحانی از امارات ناشی از مصوبه مجلس بوده دیده نمیشود، فقط این اشاره هست که آقای زنگنه وزیر نفت گفته است؛ «حرفتم پول خودمان را بگیریم.»

مورد دوم اینکه چرا دولت روحانی به امارات رجوع کرده نه به کشورهای اسلامی دیگر و یا غیر اسلامی مانند چین و هند و روسیه و غیره، پاسخ این مهم که کلید گریه روحانی است را باید در خبر زیر یافت.

خبر معامله جزایر سه گانه ایران

روزنامه **defensnews** آمریکائی به استناد منابع آگاه آمریکائی اعلام کرد که جمهوری اسلامی و امارات متحده عربی بر سر جزایر سه گانه ایران در خلیج فارس بتوافق رسیده اند. خبر حاکی است که

مذاکرات بین ایران و امارات ۶ ماه قبل با وساطت عمان آغاز و در اواخر دسامبر سال ۲۰۱۳ به پایان رسید.

دفنس نیوز پس از ذکر شرایط موافقتنامه نوشته که ایران درازای وساطت سلطان قابوس قرار شده دوسال نفت و گاز رایگان به آن کشور بدهد.....

رجوع دولت روحانی برای دریافت پول از امارات چه محملی میتواند داشته باشد جز حق الزحمه برای طرف ایرانی معامله بر سر جزایر سه گانه ایران؟

اظهارات زنگنه وزیر نفت در مجلس در پاسخ استیضاح رسائی مبنی بر اینکه «رفتیم پول خودمان را بگیریم» دلالت دارد بر اینکه پول مورد انتظار دولت روحانی وام و کمک نبوده و پولی است که در اثر معامله معمولاً بعنوان شیرینی و یا حق الزحمه خصوصی به عوامل ایرانی موثر در معامله داده میشود، بوده است و الا در دنیای امروز مطالبه پول دولتها از دولتها با اعزام وزیر صورت نمیگیرد حتی مطالبه افراد هم نیاز به اعزام طلبکار ندارد این امور مربوط به عهد چاپاری بوده است نه امروز مگر پولها صورت قانونی نداشته باشد که استتار آن اجازه استفاده از مسیرهای مشخص و آشنا را ندهد.

این معامله چه میتواند باشد بین ایران و امارات که چندی قبل از معامله بر سر جزایر سه گانه ایران وزیر خارجه امارات چنان نسبت های ناروا و خردکننده به ایران داد که غیرت میخواست که درک معنا کند.

گریه روحانی برای این بود که هم ننگ خیانت به کشور را بیار آورده و هم باجی را که از امارات انتظار داشت با جمله «ما باج به شغال نمیدهیم رو برو شد».

مجلس باید موضوع معامله جزایر را با امارات و نقش دولت روحانی و مسئله مطالبه پول را پیگیری کند و الا نمیتواند با آگاهی هائی که عنوان شده نسبت به موضوع، از مسئولیت کنار بماند.